

این مقاله  
به سفارش حرم مطهر  
امام رضا علیه السلام نگاشته شده و  
در سایت رضوان علم به آدرس  
<http://razavi.aqr.ir/>  
موجود می باشد.

## دروغ، مهیج ترین بازی روانی

خدیدجه ایرجی نیا

دانش آموخته سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

### چکیده

انسان گاهی از زبان برای فریب و بازی با خود و دیگران استفاده می کند. بزرگترین این بازی ها، دروغ پردازی است؛ زیرا، دروغگو در گفتار خدا را می جوید و در عمل دنیا را می طلبد. رفع این تناقض او را وادار می سازد تا دنیای فانی را بر خداوند متعال ترجیح دهد؛ پس، از خداوند متعال به طور کامل می بُرد. این رهاشدگی، حیاتش را به کلی متلاشی می کند و مهیج ترین بازی روانی ای را که ممکن است برای انسان رخ دهد، برای او ثبت می کند. این نتیجه به دلیل انتخاب بد او رقم می خورد. اگر دروغگو به تفکر و مراقبت از خود در راستگویی و دوستی سالم روی آورد، امید است بتواند از این عاقبت شوم نجات یابد.

**کلید واژه ها:** زبان، بازی، دروغگو، گفتار، رفتار، انتخاب، دنیا، مهیج.

### طرح مسأله

زبان گویا و قدرت تکلم در انسان به اندازه ای پر ارج و مهم است که حضرت امیر علیه السلام، انسان منهای توانایی در سخن گفتن را حیوانی در صورت انسان به شمار آورده اند و درباره او چنین فرموده اند: اگر در انسان زبان گویا آفریده نشده بود و آدمی قدرت تکلم نمی داشت، او چیزی جز تصور ممثل یا حیوانی متروک و مهمل نمی بود. (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۹۰) زبان با وجود این ارزش والا؛ اگر از سوی صاحبش آزاد گذاشته



شود، عنائش به دست عقل سپرده نشود و بی حساب سخن گوید، عضوی می گردد، بسیار خطرناک و مضرّ تا به آن حد که صاحبش را به هلاکت و تباهی می کشاند. در این باره، روایات زیادی از اولیای اسلام رسیده است (گفتار فلسفی سخن و سخنوری، فلسفی، ص ۳) که به نمونه ای از آن اشاره می شود: زبان مانند حیوان درنده ای است که اگر آزاد گذارده شود، زخم می زند، مجروح می کند و مصیبت به بار می آورد. (نهج البلاغه، کلمه ۶۰، ص ۱۰۵۴)

**بزرگترین کج روی، به وسیله زبان صورت می پذیرد و نام این کج راهی، دروغ و مرتکب آن، دروغگو است.**

بنابر معانی کلمات اعظم، خطایا، عند، لسان و کذاب در کتاب التحقیق، سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، مبنی بر اینکه «اعظم الخطایا عند الله لسان الكذاب» (کافی، کلینی، ۸، ص ۸۲) چنین به دست می دهد که بزرگترین انحرافی که خلاف جریان طبیعی و حق می تواند به وقوع بپیوندد، جایی است که شخص، سخنی بر خلاف واقع بر زبان می آورد، با علم یا ظن به این که این سخن، مخالفت با خداوند متعال است؛ یعنی، کسی مرتکب این خروج بزرگ از حق می شود که آگاهانه واقعیت را دگرگون می سازد و این عمل را نیز با زبان خود انجام می دهد؛ بنابراین، بزرگترین کجروی، به وسیله زبان صورت می پذیرد و نام این کج راهی، دروغ و مرتکب آن، دروغگو است.

ضرورت پرداختن به این صفت رذیله، با کلامی از امیر سخن، این چنین تبیین می گردد: «الکِذْبُ فُسَادٌ كُلُّ شَيْءٍ» (غرر الحکم، آمدی، ص ۶۹) یعنی، دروغ و جابجایی عمدی حقیقت و واقعیت، نظم و اعتدال همه چیز را در همه لایه های آن به هم می ریزد و دروغگو که گوید، جز این کاری را برای خود تعریف ننموده است، در همه ابعاد وجودی خود، از خداوندگاریش که مرتبه اعلاّی انسانیت او است تا نیازهای اولیه حیات مادیش که نازل ترین مرحله از وجود او است، دچار ناراستی و ناموزونی می گردد؛ گویی، دروغگو به خود هم دروغ می گوید و خود را از درون خود می راند و خویش را





وادر می سازد تا به دنبال خویش، در بیرون خود بگردد. (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۱۴) و بدین صورت، به تمام معنا آواره و در به در گردد.

با این توضیح، اگر لغت بازی را با فرهنگ دکتر معین، فریب معنا کنیم و مهیج ترین را بزرگترین آشفتگی، آیا آشفته تر و مضطرب تر از دروغگو، بازیگری در بازی ها و بازی ای اضطراب آورتر از دروغ، می توان یافت؟ آیا با کمی دقت در بازار نمی توان به این مسئله پی برد که گاهی، برای خرید یک کالا، چه میزان از اضطراب را خریدار برای فرار از فریب خوردن تحمل می نماید و فروشنده برای فریب دادن، چه مقدار سراسیمگی و بیتابی را از خود بروز می دهد. این آشفتگی نه از باب طعنه، توهین، تحقیر و تمسخر است؛ بلکه، از طرف خریدار از ترس فریب خوردن و از سوی فروشنده، از بیم فریب نخوردن مشتری است.

بنابراین، پافشاری بر این مطلب ناصواب نیست که در برخی از اوقات، روابط انسانها شکل بازی به خود می گیرند؛ یعنی در زندگی، علاوه بر بازی هایی چون فوتبال، والیبال و...، یک سری بازی های روان شناختی هم وجود دارند که ضربه زدن و حقه زدن به دیگران را دنبال می کنند. فرد با کلام بد، آزاری به دیگری می رساند که سال ها، یادآوری آن حرف، در درون شخص خشم و نفرت ایجاد می کند و گاهی رنجش به حدی است که کارشان به دادگاه و زندان و ... می کشد. احساس فریب خوردگی و ناکامی بازیگران این بازی، پایان ناخوشایند و تلخی را برای آن رقم می زند. (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۱۸)

**فرد با کلام بد، آزاری به دیگری می رساند که سال ها، یادآوری آن حرف، در درون شخص خشم و نفرت ایجاد می کند.**

### دروغ چیست؟

دروغ، گناه کبیره (گناهان کبیره، دستغیب شیرازی، ج ۱، ص ۲۴۷) ننگِ خوی ها (غرر الحکم، آمدی، ص ۶۳) عامل سرافکندگی (همان، ص ۵۴) و خواری (همان، ص ۵۱) انسان است. بنابر آنچه گذشت، دروغ قلب حقایق است و مهیج ترین بازی روانی، دروغ





پردازای است. (الکافی، کلینی، ۸، ص ۸۲)

## دروغ گو کیست؟

حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: هر کس امید به چیزی دارد، در تحصیل آن کوشش می کند؛ پس لازمه امید به پاداش الهی، تلاش در انجام اعمال صالح است؛ اگر این تلاش در شما نباشد، دروغگو به شمار می آید و هر کس از چیزی می ترسد، از آن می گریزد؛ بنابراین، لازمه ترس از عذاب الهی، فرار از معصیت است؛ اگر چنین گریزی از گناه در شما نیست؛ پس شما دروغگو هستید. (الوافی، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۹۳۰) و... [دروغگو کسی است] که با نقل خبری از تو برای دیگران و از دیگران برای تو، زندگی را برای تو تلخ و ناگوار می کند، هرگاه خبری کسب کند، آن را به خبر دیگری پیوند می دهد تا ثابت کند راست می گوید و راست نمی گوید؛ پس خبرها را از گروهی برای گروهی نقل می کند تا میان آنها دشمنی ایجاد کند و بذر کینه در دلها بکارد. (الکافی، کلینی، ج ۲، ۳۷۶ و ۶۳۹)

## بررسی علل دروغ گویی

در بازی دروغ گویی، انگیزه روان شناختی فرد بسیار مهم است. (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۱۸) انگیزش، خود مجموعه شرایطی است که به رفتار شخص نیرو می دهد و به آن جهت می بخشد و آدمی آن را به صورت میل آگاهانه تجربه می کند. (متن کامل زمینه روانشناسی هیلگارد، اتکینسون و ...، ص ۳۶۱) این انگیزه می تواند، به وسیله خانواده، رسانه ها و انتخاب شخص ایجاد شود.

انگیزش، خود مجموعه شرایطی است که به رفتار شخص نیرو می دهد و به آن جهت می بخشد و آدمی آن را به صورت میل آگاهانه تجربه می کند.

## الف) نقش خانواده

بسیاری از خانواده ها، بازی های روانی را جزو هوشمندی، زرنگی و امتیازهای رفتاری خود در جامعه می دانند. در جمع خانوادگی خود، فوت و فن و ظرافت های آن را به هم





یاد می دهند. از این راه، فرزندان خود را به سمت ها و منصب های اجتماعی گوناگون می رسانند و فرزندان نیز، از این بازی ها رضایت دارند؛ زیرا، به آنها پاداش می دهد؛ (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۲۴) بنابراین، وقتی کودک به هوشیاری و درک می رسد، رفتارهای پدر و مادر را زیر نظر می گیرد؛ مثلاً، با دیدن انکار موضوعی واضح از سوی پدر که عادت خانوادگی آنها است؛ بازی دبه درآوردن را یاد می گیرد و با به نتیجه رسیدن آن بازی، به تدریج متوجه می شود که این بازی پدر، گاهی دارای ثمر است؛ پس به احتمال زیاد، آن بازی را جزو پازل زندگی خود انتخاب می کند. (همان، صص ۲۲ و ۲۳) و زمانی که پا به دنیای تجارت می گذارد، خودبه خود آن بازی را که در ناخودآگاهش کدگذاری شده است، به اجرا در می آورد. (همان، ص ۲۴)

### ب) نقش رسانه ها

عصر امروز، زمان حضور فعال رسانه در همه جنبه های زندگی است. بیننده فیلم و برنامه های کامپیوتری، خود را در معرض آن قرار می دهد. با شخصیت های اصلی فیلم و برنامه کامپیوتری همزاد پنداری می کند، خود را جای آنها قرار می دهد و می کوشد، خود را هم رنگ آنان سازد. (این هم رنگ سازی ها را در گفتگوهای سریال های طنز و پیامک های ارسالی افراد، به خوبی می توان دید) (آسیب شناسی سریال های ماورایی (دینی) تلویزیون در ماه مبارک رمضان، صحفی، ص ۱۱۸) بنابراین، فراگیری بازی هایی چون دروغ پردازی، پا را از حوزه خانواده فراتر گذارده است و همانگونه که با تهیه فیلم ها و برنامه های مبتنی بر صدق و راستی می توان، جامعه را به سوی درستی هدایت کرد، با پخش و نشر دروغ می توان، دروغ را در جامعه اشاعه داد.

فراگیری بازی هایی چون دروغ پردازی، پا را از حوزه خانواده فراتر گذارده است.





### ج) نقش انتخاب فرد

بازی خطرناک دروغ، می تواند در روابط انسان با خداوند متعال، اولیاء الله، دیگران و خودش، تصاویر متنوعی را ترسیم نماید. شاید، شایع ترین بازی دروغین او در رابطه اش با خداوند متعال، بازی او در مقام خوف و رجاء باشد؛ از آن جهت که در آن، بدترین انتخاب ممکن و هولناک ترین نتیجه احتمالی، برای انسان تحقق می یابد.

شخص با پیروی از خواهش های نفس خویش، در معاصی غوطه می خورد و با این حال، به فرموده حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه: «يَدْعِي بِرَعْمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذَّبَ وَالْعَظِيمِ! مَا بَأَلُهُ لَا يَتَّبِعِينَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ» (ترجمه و شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام، ۵۰۶) تلاش می کند، این گفتار نادرستش را به کرسی بنشانند؛ بالاخره خدا را به دست می آورم. به خداوند بزرگ سوگند! خودش می داند که سخنش خلاف واقع است. آن را از آسان گیری بر خودش می توان یافت که رفتارش، نشانه ای از تلاش برای رسیدن به خدا ندارد؛ زیرا، «فَكُلُّ مَنْ رَجَا عَرَفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ وَ كُلُّ رَجَاءٍ - إِلَّا رَجَاءَ اللَّهِ تَعَالَى - فَإِنَّهُ مَدْخُولٌ وَ كُلُّ خَوْفٍ مُحَقَّقٌ، إِلَّا خَوْفَ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَعْلُولٌ» اولاً، هر کس که می خواهد، چیزی را به دست آورد، رفتارش به گونه ای است که دیگران متوجه می شوند که او به دنبال چیست؛ ثانیاً، به دنبال چیزی می رود که معقول است و چیزی جز رسیدن به خداوند متعال، ارزش آن را ندارد که تمام انرژی خود را صرف آن کند؛ ثالثاً، از چیزی می ترسد که واقعاً ترسناک است و آن ترس حقیقی، ترس از خداوند متعال است و سایر ترس ها غیر واقعی هستند؛ اما، عمل او گویای این مطلب است که او نه به دنبال خداوند بزرگ است، نه برای رسیدن به او، به خود زحمت می دهد و نه از او می ترسد و هم خیلی کودکانه، به حل این تناقض رفتاری و گفتاری خود می پردازد. (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۲۶)

بازی خطرناک دروغ، می تواند در روابط انسان با خداوند متعال، اولیاء الله، دیگران و خودش، تصاویر متنوعی را ترسیم نماید.





«يَرْجُو اللَّهَ فِي الْكَبِيرِ، وَيَرْجُو الْعِبَادَ فِي الصَّغِيرِ، فَيُعْطِي الْعَبْدَ مَا لَا يُعْطِي الرَّبَّ!» با اینکه در عملش خدای بزرگ را نمی بینی، برای رسیدن به خواسته های بزرگش؛ مثل آسایش هر دو جهان، با درجات عالی در بهشت (ترجمه و شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۵۰۶) دل به خدا می بندد و برای آرزوهای کوچکش؛ مثل کالای فانی دنیا (همان) به بندگان خدا متوسل می شود. عجب آنکه! برای نیل به حوائجش نیز دو راه ترسیم می کند: در برابر بنده، رفتار طبیعی و منظم و دقیقی از خود نشان می دهد و در مقابل خدا کاملاً عکس این رفتار را بروز می دهد؛ یعنی، «إِنْ هُوَ خَافَ عَبْدًا مِنْ عَبِيدِهِ، أَعْطَاهُ مِنْ خَوْفِهِ مَا لَا يُعْطِي رَبَّهُ» اگر این شخصی که لاف خداجویی می زند، از یکی از بندگان خدا بترسد، رفتار عادی هنگام ترس را از خود نشان می دهد؛ یعنی، برای دفع خوف خود چاره ای می جوید؛ (ترجمه نهج البلاغه، جعفری، ص ۴۷۳) اما، در برابر خوف از خدا، رفتار عادی را که ترسیدن و چاره جویی از خوف الهی است را بروز نمی دهد؛ یعنی، به خوف الهی بی اعتنایی می کند. (همان) «فَجَعَلَ خَوْفَهُ مِنَ الْعِبَادِ نَقْدًا، وَ خَوْفَهُ مِنْ خَالِقِهِ ضِمَارًا وَ وَعْدًا» در نتیجه، برای خودش دو خوف، با دو عکس العمل را تعریف می کند: در ترسی که از بندگان خدا به او می رسد، خود را مکلف می داند که اول، باید وجود آن ترس را بپذیرد و بعد برایش، همان روشی را در پیش گیرد که در برابر ترس، هر موجودی به غریزه طبیعی خود آن کار را انجام می دهد؛ یعنی، چاره ای برایش بیندیشد. در ترس از آفریننده اش، همان وجودی که قدرت چاره اندیشی را به طور فطری در نهادش قرارداده، نه تنها خود را ملزم می سازد که اول توجهی به وجود چنین ترسی نکند و عکس العملی متناسب با آن انجام ندهد و دنبال چاره ای نباشد؛ بلکه، به خود اجازه می دهد که آن شر هم بنامد. با این گزینش بی ضابطه؛ فقط می داند که با اختیار وارد بازی شده است و از آن رضایت دارد؛ اما متوجه نیست، این بازی، ذهن او را به صحنه ای از جنگ و ستیز بدل کرده است که بعید است جان سالم از آن به در ببرد و سرانجام، حالش را بد می کند و در بزمش حیران و در چرخش تابان می





شود. (بازی های روانی مردم، شمیسا، ص ۱۴)

اگر شخصی، از یکی از بندگان خدا بترسد، رفتار عادی هنگام ترس را از خود نشان می دهد؛ یعنی، برای دفع خوف خود چاره ای می جوید.

از اینجا باید گفت، اوج هیجان و آشفتگی روانی و پایان دیوانه کننده این بازی شروع می شود و نقطه فاجعه آمیز بازی و فریب کامل روانی دروغگو کلید می خورد. (همان، ص ۲۰) عقلش، به طور کامل از کار می افتد و زمینه برای بیان بزرگترین دروغی که ممکن است دروغگو بگوید، فراهم می شود. دروغگو برای رفع تناقض میان گفتار و رفتار خود، کاملاً حقیرانه عمل می کند. «وَ كَذَلِكَ مَن عَظَمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ كَبُرَ مَوْعِعُهَا مِن قَلْبِهِ آتَرَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا، وَ صَارَ عَبْدًا لَهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ص ۴۷۲)

در عالم کوچک کودکانه اش، اقتدار و نیروی دنیا را آنقدر چشم خیره کن می بیند و قلبش را آنچنان مسخر دنیا می یابد که حاضر می شود، بزرگترین دروغ را به خود بزند که دنیا بر خداوند متعال ارجح است و با قطع رابطه کامل با خدای بزرگ و عظیم الشان، به اثبات برساند که او از اول، به دنبال خدا نبوده است و فقط، در کلامش به آن تصریح داشته است؛ پس، مانند کودکی سر به راه، دست در دست دنیا می نهد و به هویت حقیقی خود «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹ و ص: ۷۲) و آن گاه که او را سامان دادم و از روح خود در او دمیدم [تا استعدادهای شگرفی در وجودش به ودیعه گذارم]، در برابرش ابراز فروتنی کنید. (ترجمه قرآن، طاهری، ج ۱، ص ۲۶۳) به راحتی پشت می نماید. این گونه است که زبده ترین دروغگویان متولد می شوند.

دروغ گو برای رفع تناقض میان گفتار و رفتار خود، کاملاً حقیرانه عمل می کند.







## راه نجات از دروغ

از آنجا که دروغگو آگاهانه به قلب حقایق پرداخته و هوشیارانه وارد این بازی شده است؛ هرچند عاقبت آن را باور ندارد. می تواند برای باور این فرجام وحشتناک، از سه روش زیر مدد جوید:

### الف) تفکر

دروغگو، در خلوت خود تفکر نماید و میان فوائد حاصله از آن و نتایج سوء و ثمرات ناخوشایند آن در محضر عقل خویش، به داوری نشیند؛ چون انسان با خود دشمنی ندارد و تمام معاصی، ریشه در جهل او دارد؛ لذا، از آن رسوایی که به دست حق تعالی واقع شود که جبران ناپذیر است، گریزان می شود. (شرح چهل حدیث، امام خمینی رضوان الله علیه، ص ۳۱۱)

### ب) مراقبت

در این مرحله، تا چندی با هر زحمت شده، از خود در باب این معصیت مراقبت نماید و مهار زبان خویش را در دست بگیرد. امید است که به دنبال این مجاهده، انسان از این گناه احساس انزجار و تنفر نماید و لذت ترک آن را بچشد. (همان، صص ۳۱۲ و ۳۱۳)

راه نجات از دروغ، تفکر، مراقبت و همنشینی با راستگویان است.

### ج) همنشینی با راستگویان

برای اینکه افکارش را جامه عمل بپوشاند و عزم خود را برای ترک این گناه به اثبات برساند؛ در ابتدا، باید در نوع رابطه خود، با آنان که این بازی را واقعی جلوه می دهند و در جمعشان به دنبال ارتقاء این فن هستند، تجدید نظر نماید؛ سپس، ارتباط تنگاتنگ خود را با بندگان خدا که مورد رحمت و نعمت او هستند، قرار دهد.





## نتیجه بحث

دروغ به عنوان مهم ترین عامل آشفتگی روان انسان، در تعالیم دینی جایگاه ویژه ای دارد. روش به هم ریختن تعادل روانی بشر به وسیله آن، بیشتر به یک بازی شبیه است؛ یعنی، ابتدا به فرد می باوراند که می تواند با سخن گفتن درباره خدا، به خدا برسد و در عمل به دنیایش بپردازد. آرام آرام، وجود دروغگو، لایه به لایه از تناسب طبیعی اش خارج می شود تا آنکه ناگهان، در فاجعه آمیزترین مرحله بازی، رابطه اش با خداوند متعال گسسته می شود و همه هستی اش، یک جا فرو می ریزد.

اگر این فرد، از ابتدا، با تفکر در تعالیم دینی، باورهایی مطابق با واقع در خود نهادینه می کرد. سر بر آستان الهی می سایید و از گفتن اولین دروغ، سر باز می زد. به جای راه حل قطع کامل رابطه با خدا، به راه حل قطع رابطه کامل با همفکرانش می اندیشید.

به نظر می رسد، بیان هر سخنی از فردی به فرد دیگر یا ناهمخوانی در گفتار و رفتار شخص، تنها زوایای ارائه شده از چیستی دروغ نیست و به جز تفکر، مراقبت و دوستی با راستگویان، راه های دیگری برای مقابله با این پدیده هولناک وجود دارد که بررسی دوباره ای، در مجال دیگری را می طلبد.



## فهرست منابع

- \*قرآن کریم.
- \*ترجمه قرآن، طاهری قزوینی، علی اکبر، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۸۰.
- \*نهج البلاغه امیر المؤمنین علیه السلام، ترجمه محمدتقی جعفری، به اهتمام علی جعفری، چاپ یازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵
- \*ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علیه السلام، فیض الاسلام، علی نقی، تهران، ۱۳۵۱.





- ۱) آسیب شناسی سریال های ماورایی (دینی) تلویزیون در ماه مبارک رمضان، صحفی، محمدعلی، فصلنامه دین و رسانه، نهم، دوم، ۹۷، ۱۳۹۰، ۱۱۷ تا ۱۴۲.
- ۲) بازی های روانی مردم: برداشتی از دیدگاه رفتار متقابل (TA) چگونه در زندگی روزمره فریب نخوریم؟، شمیسا، علی، تهران، روان شناسی جامعه، ۱۳۹۰.
- ۳) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲.
- ۴) روان شناسی آموزش مهارتهای ارتباط و زبان، ناعمی، علی محمد، چاپ دوم، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۸۹.
- ۵) شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، امام خمینی رحمه الله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ بیست و یکم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.
- ۶) غرر الحکم؛ کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام، آمدی، عبدالواحد، ترجمه محمدعلی انصاری، تصحیح مهدی انصاری قمی، چاپ دوم، قم، امام عصر عجل الله فرجه الشریف، ۱۳۸۴.
- ۷) فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، مهیار، رضا، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.
- ۸) فرهنگ فارسی (معین)، معین، محمد، به اهتمام عزیزالله علیزاده، تهران، میلاد، ۱۳۸۷.
- ۹) قاموس قرآن، قرشی، علی اکبر، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۰) الکافی، کلینی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۱۱) کتاب العین، فراهیدی، خلیل، چاپ دوم، قم، منشورات الهجره، ۱۴۱۰.
- ۱۲) گفتار فلسفی سخن و سخنوری، فلسفی، محمدتقی، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۱۳) گناهان کبیره، دستغیب شیرازی، عبدالحسین، تنظیم و تصحیح محمد هاشم دستغیب، بی جا، انتشارات ناس، ۱۳۷۰.
- ۱۴) لسان العرب، ابن منظور، محمد، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
- ۱۵) متن کامل زمینه روانشناسی هیلگارد، نویسندگان اتکینسون، ریتا ال... [و دیگران]، مترجمان محمدتقی براهنی... [و دیگران]، تهران، رشد، ۱۳۸۸.





- ۱۶) مجمع البحرین، طریحی، فخرالدین، محقق و مصحح احمد حسینی، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
- ۱۷) *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، مجلسی، محمدباقر، محقق و مصحح هاشم رسولی، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
- ۱۸) *المفردات فی غریب القرآن*، راغب اصفهانی، حسین، محقق و مصحح صفوان عدنان داودی، بیروت-سوریه، دارالعلم-الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۹) *میزان الحکمه*، محمدی ری شهری، محمد، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
- ۲۰) *الوافی*، فیض کاشانی، محمدمحسن، محقق و مصحح ضیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶.

